درمکتب امام

گرداب ناامنی

دنیا به این حقیقت رسیده است که ناامنی در خلیج فارس فقط به ضرر ایران تمام نمی‌شود، بلکه قوی‌ترین قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها هم اگر مثل آمریکا تمامی امکانات هوایی و دریایی و جاسوسی - خبری خود و هم‌پیمانان خود در منطقه را بسیج کنند، که حتی یک کشتی را بدون خطر اسکورت و حفاظت نمایند، از این خطر و ضرر مصون نخواهند ماند و در این گرداب ناامنی غرق می‌شوند.

صحیفه امام؛ ج۲۰؛ ص۳۲۹ | پیام به مسلمانان جهان؛ ۶ مرداد ۱۳۶۶

مقاله وارده

تحریم دیوان کیفری بین‌المللی
دفاع از حاکمیت ملی یا مصون‌سازی قدرت؟

کالبدشکافی حقوقی اقدام ایالات متحده علیه نظام عدالت کیفری جهانی

علی جوان‌بخت لاله

اقدام اخیر ایالات متحده آمریکا در تحریم دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)، یکی از جدی‌ترین و تکان‌دهنده‌ترین چالش‌های سال‌های اخیر برای نظام عدالت کیفری بین‌المللی به شمار می‌رود. در ۹ اکتبر ۲۰۲۶، دولت آمریکا با قرار دادن این نهاد قضائی در چارچوب نظام تحریم‌های خود، اعلام کرد دارایی‌ها و منافع مالی دیوان در قلمرو آمریکا یا تحت کنترل اشخاص آمریکایی مسدود خواهد شد. این اقدام، در حالی صورت گرفت که واشنگتن همزمان مجوزهای عمومی موقتی، از جمله یک مهلت ۱۸۰ روزه را صادر کرد تا برخی فعالیت‌های ضروری دیوان (مانند پرداخت‌های بازنشستگی و خدمات فناوری) برای مدتی محدود ادامه یابد تا کشورهای عضو اساسنامه رم، راهکارهای دیپلماتیک مورد نظر آمریکا را پیش ببرند.

در نگاه اول، شاید این اقدام در قالب «دفاع از حاکمیت ملی» توصیف شود، اما بررسی دقیق حقوقی نشان می‌دهد که ما با یک «دیپلماسی تهدید» رو به رو هستیم؛ جایی که هدف، نه اصلاح رویه‌های قضائی، بلکه جلوگیری از پاسخ‌گویی افراد قدرتمند در برابر جنایات جنگی است.

دیوان کیفری بین‌المللی؛ از فلسفه تشکیل تا صلاحیت

برای درک ابعاد این تقابل، باید به ریشه تشکیل این نهاد بازگردیم. دیوان کیفری بین‌المللی بر اساس «اساسنامه رم» (مصوب ۱۹۹۸) ایجاد شد تا به عنوان نهادی دائمی، شدیدترین جرایم بین‌المللی شامل نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز را محاکمه کند.

نکته کلیدی در ساختار حقوقی این دیوان، تأکید بر «مسئولیت فردی» است. مطابق مواد ۲۵ و ۲۷ اساسنامه رم، سمت رسمی افراد (اعم از ریاست دولت، فرماندهان نظامی یا نمایندگان پارلمان) هرگز مانع از مسئولیت کیفری آنان نخواهد بود. فلسفه این مواد صریح است: هیچ عنوان رسمی نباید به سپر دفاعی برای مرتکبان جنایات بزرگ تبدیل شود.

پارادوکسی به نام «صلاحیت» و استدلال‌های واشنگتن

بسیاری از استدلال‌های آمریکا بر این محور استوار است که چون این کشور عضو اساسنامه رم نیست، دیوان صلاحیت محاکمه اتباع آن را ندارد. اما این استدلال، نیمی از حقیقت است. در حقوق بین‌الملل، صلاحیت دیوان تنها به «ملیت متهم» وابسته نیست، بلکه بر مبنای «صلاحیت سرزمینی» (Territorial Jurisdiction) نیز استوار است. به این معنا که هرگاه جرمی در خاک کشوری رخ دهد که عضو دیوان است (مانند فلسطین)، دیوان صلاحیت دارد تا فارغ از ملیت متهم، عدالت را اجرا کند.

همچنین نباید از «اصل تکمیلی بودن» صلاحیت دیوان غافل شد. بر اساس ماده ۱۷ اساسنامه رم، دیوان تنها زمانی وارد عمل می‌شود که نظام قضائی داخلی یک کشور، «ناتوان» یا «غیرتمایل» به رسیدگی واقعی و بیطرفانه باشد. بنابراین، مداخله دیوان، در واقع آخرین سنگر عدالت برای قربانیانی است که در نظام‌های داخلی خود، راهی برای دادخواهی ندارند.

تحریم عدالت؛ زور علیه قانون

اینکه دولتی با صلاحیت یک دادگاه مخالف است، حق اوست و مسیرهای قانونی متعددی برای این اعتراض وجود دارد؛ از طرح ایراد به قابلیت پذیرش پرونده گرفته تا پیشنهاد اصلاح اساسنامه. اما تحریم یک نهاد قضائی پیش از پایان رسیدگی، این تصور را تقویت می‌کند که هدف واشنگتن، «حقوق» نیست، بلکه «مصونیت» است.

مهلت ۱۸۰ روزه صادر شده، هرچند در ظاهر یک فرصت برای میانجی‌گری است، اما در باطن، ابزاری برای فشار سیاسی به کشورهای اروپایی و سایر اعضای دیوان است تا بین «عدالت جهانی» و «منافع اقتصادی با آمریکا» یکی را انتخاب کنند. این اقدام، پارادوکسی عجیب را به نمایش می‌گذارد: کشوری که همواره مدعی ترویج «حاکم قانون» (Rule of Law) در جهان است، امروز برای محافظت از سربازان و متحدان خود، خودِ «قانون» را تحریم می‌کند.

جمع‌بندی و افق پیش رو

اقدام آمریکا علیه دیوان کیفری بین‌المللی، آزمونی سخت برای اصل برابری افراد در برابر قانون است. اگر عدالت بین‌المللی تنها در مورد دولت‌های ضعیف یا رقبای سیاسی اجرا شود، دیگر نمی‌توان از «عدالت جهانی» سخن گفت. اعتبار نظام حقوقی بین‌المللی زمانی حفظ می‌شود که معیار پاسخ‌گویی برای همه یکسان باشد؛ چه متهم وابسته به یک ابرقدرت باشد و چه متعلق به کشوری کوچک.

مسئله بنیادین این نیست که آیا دیوان کیفری بین‌المللی بی‌نقص است یا خیر؛ بلکه مسئله این است که آیا جهان به نهادی نیاز دارد که بتواند درباره جنایات بزرگ تحقیق کند، حتی هنگامی که متهمان از حمایت قدرت‌های سیاسی برخوردارند؟

تحریم دیوان ممکن است فعالیت‌های اجرائی آن را دشوار کند، اما هرگز نمی‌تواند اصل «مسئولیت کیفری بین‌المللی» را از میان ببرد. عدالت را می‌توان تحت فشار قرار داد، اما نمی‌توان با فرمانی یکجانبه، نیاز جامعه جهانی به پاسخ‌گویی را لغو کرد. تاریخ گواهی داده است که هرگاه «زور» جایگزین «قانون» شود، مشروعیت قدرت‌ها در بلندمدت فرومی‌پاشد.

منابع استناد شده:

- اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی (مواد ۵، ۱۲، ۱۳، ۱۷، ۲۵، ۲۷ و ۸۶)
- مقررات رسمی دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC)
- برگه اطلاع‌رسانی وزارت خارجه ایالات متحده و بیانیه‌های رسمی دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)

گزارش روز دویست و بیست و پنجم جنگ

ترامپ درمانده در جنگ
غرب را به ۳۰۰ هزار تن گازوئیل فروخت!

ریسمان‌های برآمده از جنگ، هر روز یکی پس از دیگری به گلوی دونالد ترامپ می‌پیچد و او را تحت فشار بیشتری قرار می‌دهد.

در هفته‌های ابتدایی جنگ تصور می‌شد انسداد تنگه هرمز و سپس باب‌المندب، تنها موجب فشار نفتی طاقت‌فرسا بر آمریکا و متحدانش شود. البته همین‌طور هم شد. هفت ماه و نیم پس از آغاز جنگ در حالی که ترامپ به شکلی مضحک دست‌وپا می‌زند تا وانمود کند همه چیز تحت کنترل است، نفت دست‌کم ۳۵ دلار گران‌تر از قبل جنگ فروخته می‌شود و البته گفته می‌شود که قیمت معاملات نقدی ۳۰ تا ۵۰ دلار بالاتر از قیمت اعلامی در بازار برای معاملات آتی است.

اما ماجرا از بحران صرف نفت بالاتر رفته و به شکل دومینووار، به گرانی در حوزه بنزین، گازوئیل، بیمه کشتیرانی، کود شیمیایی، مواد غذایی و... کشیده شده است.

ترامپ درمانده
غرب را به ۳۰۰ هزار تن گازوئیل فروخت!

فشار آن‌قدر سنگین و طاقت‌فرساست که ترامپ دیروز مجبور شد تحقیر شدن را به جان بخرد و دستور لغو تحریم‌های روسیه را که درگیر جنگ با غرب است، صادر کند. تا بدین ترتیب، به بازار عرضه شود و از جهش بیشتر قیمت ۶.۵۲ دلاری که کشاورزان آمریکا را علیه ترامپ شورانده، جلوگیری کند.

این در حالی است که شخص ترامپ یک ماه قبل، قانون تحریم‌های گسترده علیه روسیه را امضا کرد. اما در کمتر از چند هفته، امضای خود را زیر پا گذاشت. هر چند که رویترز می‌گوید: «احتمال کاهش پایدار قیمت سوخت به خاطر این عرضه محدود، کم است». البته با در نظر گرفتن مصرف روزانه حدود ۳.۹ میلیون بشکه گازوئیل در آمریکا، ۳۰۰ هزار تن (۲.۱۷ میلیون بشکه) معادل ۱۳ تا ۱۵ ساعت مصرف روزانه، یا به عبارتی نصف روز مصرف آمریکاست و به تعبیر رویترز، احتمال کاهش پایدار قیمت سوخت کم است.

ترامپ در حالی کل غرب را به ۳۰۰ هزار تن گازوئیل (مصرف نصف روز خود) فروخت که مارکو روبیو چند ساعت قبل‌تر ادعا کرده بود ایران تهدید تمدنی چند هزار ساله علیه غرب است و آمریکا برای رفع این تهدید تمدنی، مرتکب جنگ علیه ایران شده است!

اسرائیل حمله کند اما صلاح نیست آمریکا وارد شود!

برخلاف برخی فضاسازی‌های گاه‌به‌گاه، اخبار جدید از درماندگی آمریکا برای ارتکاب جنگ گسترده مجدد علیه ایران و ناتوانی در تحمل تبعات آن حکایت می‌کند. روزنامه صهیونیستی معاریو در گزارشی نوشت: دولت ترامپ در طول مذاکراتی که در دو هفته گذشته انجام شد، از اسرائیل خواست تا به‌صورت یک‌جانبه به ایران حمله کند، به جای اینکه یک عملیات آمریکایی یا مشترک انجام شود. واشنگتن می‌خواست اسرائیل مسئولیت‌های سیاسی ناشی از این اقدام را قبل از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا بر عهده بگیرد، زیرا یک حمله می‌تواند از نظر سیاسی به ترامپ آسیب برساند، اما ممکن است به نفع نتانیاهو در آستانه انتخابات اسرائیل باشد. اما ایال زامیر، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح اسرائیل، به مقامات آمریکایی هشدار داد که چنین حمله‌ای احتمالاً باعث خواهد شد اسرائیل مجبور به تعویق انداختن انتخابات خود شود و طبق گزارش‌ها، واشنگتن در حال حاضر این درخواست را کنار گذاشته است.

نوعی «انفجار خبری»؛ به معنای واقعی و مجازی کلمه؛ بر اساس اطلاعاتی که به دست آمده، در جریان مذاکرات دو هفته گذشته درباره ایران، آمریکایی‌ها در واقع از اسرائیل خواسته بودند حمله به ایران را انجام دهد. منظور آن‌ها حمله خودشان نبود و حتی حمله مشترک را هم مدنظر نداشتند. درخواست آمریکا به دلیل تحولاتی در ایران مطرح شد که بخشی از آن‌ها امروز در رسانه‌های خارجی منتشر شده است. این تحولات به بازسازی سریع توانایی ایران در تولید پهپادها و موشک‌های بالستیک مربوط می‌شود. آمریکایی‌ها می‌خواستند اسرائیل، نه ترامپ، خطر سیاسی این اقدام را پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا بر عهده بگیرد. آن‌ها معتقد بودند در آمریکا، حمله پیش از انتخابات می‌تواند از نظر سیاسی به رئیس‌جمهور ترامپ آسیب بزند. به گفته منابع غربی، تهران همچنان توانایی تولید تسلیحات برای بازسازی ذخایر خود را دارد. یکی از منابع تأکید کرد که ایران همچنان به‌خوبی به موشک‌های بالستیک و تسلیحات ضدکشتی مجهز است و می‌تواند تعداد آن‌ها را به‌سرعت افزایش دهد.

زرادخانه موشکی ایران همچنان پُر
و در حال توسعه است

«ویلیام آلبرک»، پژوهشگر ارشد مستقر در اروپا در اندیشکده «پسیفیک فوروم» (Pacific Forum)، می‌گوید: «ایرانی‌ها سال‌هاست که مشغول انبار و پنهان کردن موشک‌های کروز بوده‌اند. با اطمینان نسبتاً بالایی می‌توان گفت که ما هنوز حتی نوک کوه یخ حملات ضدکشتی را هم ندیده‌ایم.»

در همین حال، خبرگزاری بلومبرگ به نقل از مقام‌های آگاه گزارش داد: ایران با وجود ماه‌ها بمباران آمریکا و اسرائیل، کارخانه‌های تولید موشک و پهپاد خود را حفظ کرده و به همین دلیل قادر است زرادخانه‌هایش را دوباره پر کند. مقام‌های غربی می‌گویند ایران همچنان ذخایر قابل‌توجهی از موشک‌های بالستیک و برخی تسلیحات ضدکشتی در اختیار دارد و می‌تواند به‌سرعت بر تعداد آن‌ها بیفزاید.

ارزیابی‌های مقام‌های غربی نشان می‌دهد جمهوری اسلامی همچنان قدرت آتش کافی برای پاسخ‌گویی به حملات احتمالی هوایی آمریکا را دارد و ممکن است بیش از پیش به جنگ نامتقارن روی بیاورد. تهران همچنان ظرفیت تولید تسلیحات برای بازسازی زرادخانه خود را در اختیار دارد. ارزیابی توانمندی‌های ایران با ادعاهای مکرر ترامپ و اعضای دولت او در تضاد است؛ آن‌ها مدعی شده‌اند هشت ماه حملات هوایی، توانایی ایران برای تهدید پایگاه‌های آمریکا در منطقه و متحدان واشنگتن را به‌شدت از بین برده است. اما تهران حملات خود به کشتی‌رانی در اطراف تنگه هرمز را تشدید کرده است. بر اساس اعلام نیروی دریایی بریتانیا، در هفته گذشته دست‌کم ۱۰ شناور هدف حمله قرار گرفته‌اند. ارزیابی‌های مقام‌های غربی نشان می‌دهد جمهوری اسلامی همچنان قدرت آتش کافی برای پاسخ‌گویی به حملات هوایی احتمالی واشنگتن را در اختیار دارد.

ابتکار عمل دست ایران و مقاومت است

از تنگه هرمز تا انتخابات آمریکا؛ جنگ ایران چگونه محاسبات ترامپ را پیچیده‌تر کرده است؟ وب‌سایت بی‌بی‌سی در بررسی این سؤال، به رسانه‌های غربی استناد کرد و نوشت: از تداوم توان موشکی ایران تا افزایش حملات به نفتکش‌ها در تنگه هرمز، رسانه‌های آمریکا ابعاد تازه‌ای از چالش‌های پیش روی دونالد ترامپ در جنگ با ایران را بررسی کرده‌اند. بلومبرگ گزارش داده که ایران برخلاف ادعای دولت آمریکا درباره نابودی توان نظامی‌اش، بخش مهمی از ظرفیت تولید موشک خود را حفظ کرده است. در همین حال، واشنگتن‌پست نوشت که افزایش قیمت سوخت، ترامپ را به سوی توافقی با روسیه برای تأمین گازوئیل سوق داده است؛ تصمیمی که نشان‌دهنده گسترش پیامدهای اقتصادی جنگ به عرصه سیاست خارجی آمریکاست. شبکه سی‌بی‌اس نیز گزارش داد که جنگ ایران به یکی از موضوعات جنجالی رقابت‌های انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا تبدیل شده است.

افزایش هزینه‌های ادامه جنگ برای ترامپ
در آستانه انتخابات

به گزارش وال‌استریت ژورنال، ایران و حوثی‌های یمن با افزایش حملات به نفتکش‌ها و اهدافی در عربستان، در تلاشند ابتکار عمل را در جنگ با آمریکا به دست بگیرند و موقعیت خود را در مذاکرات احتمالی تقویت کنند. تنها چند روز پیش به نظر می‌رسید که ایران تحت فشار شدید قرار گرفته است. محاصره بنادر ایران و افزایش تردد نفتکش‌ها از تنگه هرمز، اهرم فشار تهران را تضعیف کرده بود. اما حملات تازه نشان می‌دهد که ایران و متحدان منطقه‌ای‌اش همچنان می‌توانند کشتیرانی و صادرات انرژی در خلیج فارس را مختل کنند.

چهارشنبه‌شب یک نفتکش حامل نفت و مواد شیمیایی در نزدیکی قطر هدف چند پرتابه قرار گرفت. در همین حال حوثی‌های یمن حملات خود به عربستان را افزایش داده‌اند. فرودگاه ریاض از جمله اهداف این حملات بوده و مقام‌های سعودی از کشته‌شدن چند نفر خبر داده‌اند. این حملات می‌تواند بخشی از تلاش برای افزایش هزینه‌های ادامه جنگ برای ترامپ باشد؛ به‌ویژه در شرایطی که افزایش قیمت نفت و سوخت به مسئله‌ای حساس در انتخابات آمریکا تبدیل شده است.

موضع قدرت ایران بر کرسی نشسته است

شبکه سی‌ان‌بی‌سی در گزارشی به تشدید حمله به نفتکش‌ها در تنگه هرمز و پیامدهای آن برای بازار جهانی نفت پرداخت و نوشت: این حملات نگرانی‌ها درباره امنیت یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال انرژی جهان را بار دیگر افزایش داده‌اند. شمار حملات به نفتکش‌ها در هفته منتهی به چهارم اکتبر به بالاترین میزان هفتگی از آغاز جنگ رسیده است. این افزایش در شرایطی رخ داده که آمریکا با استفاده از توان نظامی خود برای حفاظت از مسیرهای کشتیرانی تلاش کرده بود صادرات نفت کشورهای خلیج فارس را به وضعیت عادی نزدیک کند. اما حملات تازه نشان می‌دهد که افزایش تردد نفتکش‌ها لزوماً به معنای بازگشت امنیت به تنگه هرمز نیست. ایران پیش‌تر تهدید کرده بود با کشتی‌هایی که مقررات تعیین‌شده از سوی تهران را نقض کنند، برخورد خواهد کرد.

واشنگتن بر توانایی خود برای باز نگه داشتن مسیر کشتیرانی تأکید دارد، در حالی که تهران می‌کوشد نشان دهد همچنان قادر است عبور کشتی‌ها را پرهزینه و خطرناک کند. ادامه حملات می‌تواند هزینه بیمه نفتکش‌ها، کرایه حمل‌ونقل دریایی و در نهایت قیمت جهانی انرژی را بالا نگه دارد. به این ترتیب، مسئله اصلی برای بازار جهانی انرژی دیگر صرفاً باز یا بسته بودن تنگه هرمز نیست، بلکه هزینه و خطر عبور از آن است.

ایران در پی دگرگونی امنیتی
و ژئوپلیتیک منطقه است

الستر کروک، دیپلمات اسبق انگلیسی و عضو سابق سرویس جاسوسی «ام‌آی ۶» گفت: ترامپ عمدا تا انتخابات میان‌دوره‌ای سکوت نسبی می‌خواهد، اما عقب‌نشینی کامل از جنگ ایران ممکن نیست، چون اسرائیل و ساختار قدرت حامی اسرائیل در آمریکا اجازه نمی‌دهند مسئله هسته‌ای ایران فراموش یا کنار گذاشته شود.

مذاکرات واقعی و معنادار وجود ندارد. ایران پیش‌شرط‌های هفت‌گانه را شرط آغاز هر گفت‌وگو قرار داده و مسئله هسته‌ای را به پایان فرآیند موکول کرده است، نه آغاز آن. سپاه پاسداران در حال تشدید سیستماتیک فشار بر تنگه هرمز است: از آسیب سطحی و هشداری به تخریب موتورخانه کشتی‌ها رسیده و هدف را از نفت به کل زنجیره تأمین تانکر، بیمه و هزینه حمل‌ونقل گسترش داده است.

حوثی‌ها در یمن در موقعیت نظامی قوی قرار دارند، فرودگاه‌ها و زیرساخت عربستان را هدف قرار می‌دهند و عربستان سعودی را در موضع دفاعی و منزوی قرار داده‌اند. تغییر ژئوپلیتیک خلیج فارس و غرب آسیا در جریان است. ایران صرفاً به دنبال معامله سریع و موقت با واشنگتن نیست، بلکه در پی تحول عمیق‌تر فرهنگی، امنیتی و ژئوپلیتیک منطقه است.

ایران بدون پذیرش پیش‌شرط‌هایش توافق نمی‌کند

کروک می‌افزاید: تشدید فشار هم‌زمان در هرمز و یمن، ترامپ را در موقعیت دوگانه قرار می‌دهد. پاسخ نظامی آمریکا عمدتاً به بمباران محدود است و ایران می‌تواند با حمله به زیرساخت انرژی خلیج، هزینه اقتصادی را به‌طور قابل‌توجهی بالاتر ببرد و پیش‌شرط‌های خود را تحمیل کند. عربستان در نقطه چرخش بحرانی قرار دارد: نفت به میزان کافی نمی‌فروشد، کمک ملموس و مؤثر خارجی ندارد و ممکن است با فشار داخلی و قبیله‌ای مواجه شود. تغییر ژئوپلیتیک خلیج فارس در دو سال آینده چنان عمیق و ساختاری خواهد بود که بسیاری از نشانه‌ها، ترتیبات و موازنه‌های فعلی (از جمله نقش سنتی آمریکا، ساختار قدرت عربستان و روابط انرژی منطقه) ناپدید یا به‌طور اساسی دگرگون شوند.

ادعای ترامپ درباره وجود مذاکره و عدم حمله تا میان‌دوره‌ای‌ها برای ایران باورپذیر نیست. میانجی‌ها پیام رد و بدل می‌کنند، اما بدون پذیرش پیش‌شرط‌های ایران، این پیام‌ها هیچ نتیجه عملی ندارد. تغییر تاکتیک سپاه پاسداران از آسیب سطحی به تخریب موتورخانه، هزینه را به‌شدت و به‌صورت پایدار بالا می‌برد: کشتی باید برای تعمیر طولانی به کارخانه برود، مالکان از عبور منصرف می‌شوند، هزینه بیمه و کرایه به شکل نجومی افزایش می‌یابد و این هزینه‌ها از طریق کانتینر و کالا به تورم مصرف‌کننده منتقل می‌شود. محدوده موشک‌های ایران بیشتر سیاستی است تا فنی. تصمیم افزایش برد و تغییر هدف با رهبری و فرماندهی نظامی است و در صورت حمله به زیرساخت انرژی ایران، زیرساخت انرژی خلیج با شدت بیشتر هدف قرار خواهد گرفت. ایران یک میلیون نفر را برای گردان‌های فداکاری فراخوانده و حدود ۳۱ میلیون داوطلب شده‌اند. این نشانه قدرت داخلی است نه فروپاشی.

۸۰ نفتکش از سوی ایران هدف گرفته شده‌اند

این عضو سابق «ام‌آی‌سیکس» همچنین گفت: انصارالله ابتدا به دنبال رفع محاصره بود، اما اکنون با موقعیت نظامی قوی‌تر، ممکن است مطالبات بیشتری از جمله در مورد استان‌های شمالی مطرح کند. پیوندهای قبیله‌ای و تاریخی در داخل عربستان وجود دارد و مذاکرات غیررسمی موازی با ساختار رسمی محتمل است. ۱۶ تا ۱۸ کشتی در دو هفته اخیر هدف قرار گرفته‌اند. سپاه از پهپاد هشداری به شلیک مستقیم به موتورخانه رسیده است. یک کشتی گاز در نزدیکی فجیره آسیب جدی دیده و در خطر غرق قرار دارد. سپاه اعلام کرده است که برخورد با کشتی‌های متخلف محدود به تنگه هرمز نیست و هر عبور غیرمجاز در سراسر منطقه تعقیب و مجازات قطعی خواهد شد. این حدود هشتادمین تانکر هدف‌قرارگرفته از آغاز جنگ است و واکنش نظامی آمریکایی تاکنون دیده نشده است. حوثی‌ها فرودگاه‌های عربستان از جمله ریاض را هدف قرار داده‌اند، یک هواپیمای مسافربری را منهدم کرده‌اند و گروه‌بندی نیروهای امارات‌محور در جنوب را با موشک بالستیک زده و حدود ۳۰ افسر ارشد را کشته‌اند. انصارالله شهر تعز را محاصره کرده‌اند (الگوی مشابه حلب)، مناطق کوهستانی را در اختیار دارند و نیروهای مزدور جنوب انگیزه و پرداخت کافی برای جنگیدن ندارند. خط لوله شرق-غرب بارها آسیب دیده و گزارش‌های خوش‌بینانه درباره باز شدن سریع آن با واقعیت میدانی سازگار نیست.

ترامپ می‌خواهد شرایط را به قبل از جنگ برگرداند اما نمی‌تواند

فرید زکریا در یادداشتی برای روزنامه «واشنگتن‌پست» به انتقاد از راهبرد دولت ترامپ در جنگ با ایران پرداخت و نوشت: واشنگتن نتوانسته است تهران را به تسلیم وادار کند و اکنون در حالی تلاش می‌کند تنگه هرمز را به وضعیت پیش از جنگ بازگرداند که هدف اولیه بسیار فراتر از بازگشایی این آبراه بود.اقدامات نمایشی نظامی، به معنای موفقیت در جنگ نیست. در ژوئن ۲۰۲۵، ایالات متحده و اسرائیل تأسیسات هسته‌ای ایران را بمباران کردند و ترامپ اعلام کرد که برنامه هسته‌ای «نابود شده است». هشت ماه بعد، دو طرف بار دیگر وارد جنگ شدند؛ این بار با اهدافی بسیار گسترده‌تر: تغییر نظام سیاسی ایران. با این‌حال، جمهوری اسلامی از این حملات جان سالم به در برد، صفوف خود را حول فرماندهان نظامی تندرو منسجم کرد، رهبر جدیدی برگزید و از ابزاری استفاده کرد که مدت‌ها تهدید به به‌کارگیری آن کرده بود: بستن تنگه هرمز؛ گذرگاهی که حدود یک‌پنجم نفت جهان از آن عبور می‌کند. اکنون، پس از گذشت بیش از هفت ماه، ایالات متحده درگیر عملیاتی گسترده است تا ایران را وادار کند از مسدود کردن آبراهی دست بردارد که پیش از آغاز جنگ باز بود. بر اساس اعلام پنتاگون، هزینه جنگ تاکنون به ۴۵ میلیارد دلار رسیده. احتمال می‌رود ایالات متحده بین نیمی تا دوسوم ذخایر برخی از موشک‌های رهگیر پیشرفته سامانه‌های دفاع موشکی خود را مصرف کرده باشد و جایگزینی آن ممکن است پنج سال زمان ببرد. از زمان آغاز جنگ، میانگین قیمت نفت برنت حدود ۱۰۰ دلار بوده است؛ ۴۰ درصد بالاتر از سطح قیمت‌ها پیش از جنگ.

ایران تسلیم نشد
اما هزینه‌های گزاف به آمریکا تحمیل کرد

واشنگتن‌پست می‌افزاید: مارک زندی، اقتصاددان ارشد مؤسسه مودیز آنالیتیکس، برآورد کرده که تا ماه ژوئیه، هزینه جنگ برای هر خانوار متوسط آمریکایی، در نتیجه افزایش قیمت‌ها، پرداخت بهره و هزینه‌های نظامی، به بیش از ۱۲۰۰ دلار رسیده است. آمریکایی‌ها تنها برای خرید بنزین و گازوئیل حدود ۱۳۰ میلیارد دلار هزینه اضافی پرداخت کرده‌اند. افزایش قیمت گازوئیل نیز هزینه حمل‌ونقل جاده‌ای، فعالیت‌های کشاورزی و مواد غذایی را به‌شدت افزایش داده است.

ایالات متحده، نتوانسته ایران را به تسلیم وادار کند. ادامه جنگ هزینه‌های هنگفتی به اقتصاد جهانی تحمیل کرده و کشورهای حاشیه خلیج فارس را با پیامدهای گسترده‌ای مواجه ساخته است. اعتماد این کشورها به واشنگتن به‌شدت آسیب دیده و این کشورها هم‌زمان با افزایش چشمگیر هزینه‌های حمل‌ونقل دریایی و سقوط صنعت گردشگری مواجه شده‌اند. در همین حال، کشورهای واردکننده انرژی، با مشکلات جدی روبه‌رو شده‌اند. ایران تسلیم نشده و دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد ادامه بمباران‌ها نیز وضعیت را تغییر نخواهد داد.

آمریکا هیچ استراتژی برنده‌ای در جنگ ندارد

جان مرشایمر، نظریه‌پرداز برجسته روابط بین‌الملل تأکید کرد: آمریکا هیچ استراتژی برنده‌ای در خاورمیانه یا خلیج فارس ندارد. هیچ استراتژی برنده‌ای علیه ایران ندارد. جنگ از ۲۸ فوریه شروع شد و قرار بود ۳-۴ هفته طول بکشد، اما ماه‌ها گذشته و آمریکا در آستانه پیروزی نیست و در وضعیت ناامیدانه‌ای قرار دارد. ایده جنگ با حوثی‌ها و انجام کاری که با ایرانی‌ها نتانیستیم، رؤیایی پوچ است. قبلاً هم با حوثی‌ها جنگیدیم و آن‌ها برنده شدند. حتی اگر اشتباه کنم و حوثی‌ها شکست بخورند، ایرانی‌ها به کمکشان می‌آیند. آمریکا خود را در خاورمیانه به دردسر عظیمی انداخته و هیچ راه آسانی برای خروج ندارد. در واقع هیچ راه خروجی ندارد.

پس از آنکه ترامپ در ژانویه ۲۰۲۵ به قدرت رسید، گفت حوثی‌ها را شکست خواهد داد و از جنگ خارج می‌کند. در مارس ۲۰۲۵ جنگی با حوثی‌ها را آغاز کرد و تا می ۲۰۲۵، تقریباً دو ماه بعد، جنگ را پایان داد و پیروزی اعلام کرد. اما واقعیت این است که آمریکا نتوانست حوثی‌ها را شکست دهد و جنگ را رها کرد چون در حال باختن بود. آمریکا هیچ راهی برای شکست نظامی حوثی‌ها ندارد. قبلاً هم جنگیدیم و نتانیستیم آن‌ها را شکست دهیم. ترامپ جنگ را در می ۲۰۲۵ پایان داد چون مهمات گران‌بهای زیادی مصرف می‌شد و جنگ باخته‌ای بود. امروز پس از جنگ طولانی با ایران از ۲۸ فوریه، مهمات حتی کمتر است. اگر درگیر شویم هم برنده نمی‌شویم و هم مهمات بیشتری مصرف می‌کنیم. همان منطق در مورد ایران هم صدق می‌کند: کمبود مهمات و نبود توانایی شکست نظامی.

سقوط محبوبیت ترامپ به ۳۰ درصد!

مؤسسه افکارسنجی پیو اعلام کرد براساس جدیدترین نظرسنجی این مؤسسه، میزان تأیید عملکرد ترامپ در میان آمریکایی‌ها به ۳۰ درصد رسیده است. این عدد کمترین میزان محبوبیت ثبت‌شده در دولت دوم ترامپ در یک نظرسنجی معتبر است.

قالیباف خطاب به روبیو:

مقابل ایرانیان زانو خواهید زد

رئیس‌مجلس شورای اسلامی در واکنش به ادعاهای مارکو روبیو نوشت: کسانی که به دنبال میراث اسکندر هستند، به سرنوشت والرین دچار خواهند شد؛ زانو خواهید زد!

محمدباقر قالیباف، رئیس‌مجلس شورای اسلامی در واکنش به یاوه‌گویی اخیر مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا در مورد تمدن ایران با انتشار پیامی در حساب کاربری خود تاکید کرد: در طول تاریخ، ما ایرانیان با کسانی روبه‌رو شده‌ایم که خود را سروران جهان اعلام کردند و کوشیدند تمدن‌های کهن را از صفحه روزگار محو کنند.

وی افزود: آنان با آتش و شعله آمدند، اما با گرد و خاک و خواری رفتند.

قالیباف تصریح کرد: کسانی که به دنبال میراث اسکندر هستند، سرنوشت والرین را خواهند داشت؛ زانو خواهید زد.

با ثبت هزاران امضا پای یک طومار مطرح شد

مطالبه مردم مبعوث برای پیگیری خونخواهی رهبر شهید و صیانت از حقوق ملت ایران

هزاران تن از مردم مبعوث حاضر در میادین و تجمعات خودجوش تهران، با امضای طوماری خطاب به مسئولان و نهادهای ذی‌ربط، بر خونخواهی رهبر شهید و صیانت از حقوق و منافع ملی ایران تأکید کردند.

به گزارش کیهان، در متن طومار امضا شده از سوی هزاران نفر از ملت مبعوث حاضر در میادین با عنوان «مطالبه اجرای موارد و خواسته‌های ملی»، خطاب به مسئولان و نهادهای ذی‌ربط آمده است: «بدین‌وسیله، امضاکنندگان این مطالبه‌نامه، ضمن تأکید بر حقوق و منافع ملی ایران، خواستار بررسی، پیگیری و اجرای موارد زیر در چارچوب قانون و مصالح کشور می‌باشند:

۱. حمایت گسترده ملت ایران از پیام خونخواهی رهبر انقلاب حضرت سیدمجتبی خامنه‌ای و پیگیری حقوقی و قضائی مرتبط با شهادت رهبر انقلاب، و نیز رسیدگی قانونی و عادلانه به عاملان این جنایت و سایر شهدای جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم، با هدف اجرای عدالت و احقاق حقوق خانواده‌های شهدا.

۲. حفظ و صیانت از جایگاه راهبردی جمهوری اسلامی ایران در تنگه هرمز، تأکید بر حقوق قانونی و حاکمیتی ایران در ارتباط با مدیریت و امنیت این آبراه، و بررسی و تصویب قوانین لازم درخصوص تنگه هرمز در چارچوب حقوق داخلی و بین‌المللی.

۳. حفظ، صیانت و مدیریت ذخایر اورانیوم غنی‌شده در ایران در چارچوب منافع ملی، قوانین کشور و تعهدات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.

در پایان، امضاکنندگان بر ضرورت رسیدگی مسئولانه، شفاف و قانونی به مطالبات فوق و اتخاذ تصمیماتی در راستای حفظ منافع ملی، امنیت کشور و حقوق ملت ایران تأکید می‌نمایند.»

فرمانده نیروی زمینی ارتش خبر داد

تجهیز نیروی زمینی ارتش به سلاح‌هایی با ۳ ویژگی راهبردی

فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران گفت: به‌محض آغاز جنگ تحمیلی سوم، بیش از ۵۰ یگان رزمی و پشتیبانی نیروی زمینی، شامل تیپ‌های متحرک، واکنش، زرهی و مکانیزه و یگان‌های توپخانه، مهندسی، موشکی و پهپادی، در مرزهای کشور مستقر شدند.

امیر سرتیپ علی جهانشاهی، فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در گفت‌وگو با فارس با بیان اینکه پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، با استفاده از درس‌آموخته‌های جنگ و در اجرای فرامین فرماندهی، اقدامات بسیار خوبی انجام دادیم، گفت: طرح‌های عملیاتی را بازنگری کردیم، در ساختار و سازمان رزم تغییراتی ایجاد کردیم و تجهیز یگان‌ها به سلاح‌های جدید با ویژگی‌های دقیق‌زن، هوشمند و شبکه‌پذیر را در دستور کار قرار دادیم. همچنین سطح مهارت و آموزش کارکنان را ارتقا دادیم. یکی از تأکیدات فرمانده کل ارتش، کاهش تلفات نیروی انسانی، جلوگیری از آسیب‌پذیری تجهیزات و آماده نگه‌داشتن یگان‌ها برای اجرای مأموریت بود. در همین چارچوب، در سطح پادگان‌ها اقدامات گسترده‌ای انجام شد؛ کانال‌ها و تونل‌های متعدد